

۱۳۶۰ ۶۵۶

اسلام پیام آور صلح و دوستی

برداشت‌هایی از دیدگاه اسلام در خصوص صلح

با اشاره‌ای به اسناد حقوق بین‌الملل

دکتر سید فضل‌الله موسوی

استاد و رئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

با دیباچه آیت‌الله عباس کعبی

استاد حوزه و دانشگاه و عضو محترم مجلس خبرگان رهبری

سرشناسه	: موسوی، سید فضل الله، ۱۳۳۲ -
عنوان و نام پدیدآور	: اسلام پیام آور صلح و دوستی: برداشت‌هایی از دیدگاه اسلام در خصوص صلح، با اشاره‌ای به اسناد حقوق بین‌الملل / سید فضل الله موسوی.
مشخصات نشر	: تهران: خرسندی، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۲۱۴ ص.
شابک	: 978-600-114-437-0
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیای مختصر
یادداشت	: فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی: http:// opac.nlai.ir قابل دسترسی است.
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۷۸۵۶۴۸

انتشارات خرسندی

نمایشگاه و فروشگاه کتب فقهی، حقوقی و مجموعه قوانین
خیابان انقلاب - خیابان فخر رازی - خیابان لبافی‌نژاد - نرسیده به خیابان دانشگاه

پلاک ۱۷۴ - واحد ۲

تلفن ۵-۶۶۹۷۱۰۳۴ و ۵-۶۶۴۹۰۵۸۴

پست الکترونیک: Khorsandy.pub@gmail.com

سایت اینترنتی: www.Khorsandypub.com

اسلام پیام‌آور صلح و دوستی

دکتر سید فضل‌الله موسوی

چاپ دوم: ۱۳۹۴ - تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۱۴۰,۰۰۰ ریال

ISBN: 978-600-114-437-0

شابک: ۰-۴۳۷-۱۱۴-۶۰۰-۹۷۸

فهرست اجمالی مطالب

۱۵	دییاجة حضرت آیت الله عباس کعبی، عضو محترم مجلس خبرگان رهبری
۱۹	پیشگفتار مؤلف
۲۳	مقدمه
۲۷	گفتار اول: صلح در لغت، فقه و حقوق ایران
۳۱	گفتار دوم: مفهوم صلح در اسلام
۳۵	گفتار سوم: صلح یکی از اهداف مهم اسلام، ادیان الهی و پیامبران
۳۹	گفتار چهارم: اهمیت صلح
۴۵	گفتار پنجم: آثار و فواید برقراری صلح
۵۳	گفتار ششم: آغازگری در صلح به عنوان یک ارزش برتر
۵۹	گفتار هفتم: ابراز و اظهار صلح نسبت به چه کسانی
۹۱	گفتار هشتم: صلح اصل و جنگ استثنا
۱۰۵	گفتار نهم: جنگ
۱۱۵	گفتار دهم: مقررات حاکم بر جنگ
۱۲۱	گفتار یازدهم: قلمرو اجرای صلح
۱۶۷	گفتار دوازدهم: صلح عادلانه
	گفتار سیزدهم: برقراری صلح واقعی در آخرالزمان (زمان حکومت حضرت مهدی(عج) (دوازدهمین و آخرین امام شیعیان)
۱۷۱	
۱۷۹	گفتار چهاردهم: مفهوم صلح از منظر حقوق بین الملل و اسناد مربوط
۱۹۹	نتیجه گیری
۲۰۷	منابع

فهرست تفصیلی مطالب

۱۵.....	دیباچه حضرت آیت الله عباس کعبی، عضو محترم مجلس خبرگان رهبری
۱۹.....	پیشگفتار مؤلف
۲۳.....	مقدمه
۲۷.....	گفتار اول: صلح در لغت، فقه و حقوق ایران
۲۷.....	۱. صلح و سلام در لغت
۲۸.....	۲. صلح از لحاظ فقهی
۲۸.....	۳. صلح در حقوق داخلی ایران
۳۱.....	گفتار دوم: مفهوم صلح در اسلام
۳۵.....	گفتار سوم: صلح یکی از اهداف مهم اسلام، ادیان الهی و پیامبران
۳۹.....	گفتار چهارم: اهمیت صلح
۴۵.....	گفتار پنجم: آثار و فواید برقراری صلح
۴۵.....	۱. سلامت زندگی دنیا
۴۶.....	۲. دور ماندن از فسادها و فتنه‌ها
۴۷.....	۳. پوشیده و مخفی ماندن عیب‌ها
۴۸.....	۴. کاهش دشمنان و افزایش دوستان
۴۸.....	۵. باعث خیر و برکت در خانه و جامعه
۴۹.....	۶. موجب آموزش گناهان
۵۰.....	۷. کاهش و از بین رفتن بخل در جامعه
۵۳.....	گفتار ششم: آغازگری در صلح به عنوان یک ارزش برتر
۵۳.....	۱. شروع کننده سلام و صلح نزدیک‌ترین کس به خدا و رسول است
۵۴.....	۲. شروع کننده سلام و صلح، فرمانبردارترین مردم از خداست
۵۴.....	۳. مرتبه و ارزش کار شروع کننده ابراز صلح، ۷۰ برابر طرف مقابل
۵۶.....	۴. ابراز سلام و صلح قبل از سخن گفتن و مذاکره
۵۷.....	۵. ابراز سلام و صلح نسبت به واردشونده (شخص غریب)

- گفتار هفتم: ابراز و اظهار صلح نسبت به چه کسانی؟ ۵۹
- الف. افراد و گروه‌هایی که باید نسبت به آنان ابراز صلح و دوستی نمود ۶۰
۱. اظهار سلام و صلح با پیامبران خدا و اوصیای آنان ۶۰
 ۲. اظهار سلام و صلح با بندگان صالح خدا ۶۱
 ۳. اظهار سلام و صلح با هدایت‌یافتگان ۶۱
 ۴. اظهار سلام و صلح نسبت به صبرکنندگان ۶۲
 ۵. ابراز و اظهار صلح و دوستی نسبت به ایمان‌آوردگان، تقوایشگان، نیک‌کرداران، حافظان احکام الهی و توبه‌کنندگان ۶۴
 ۶. ابراز و اظهار سلام و صلح نسبت به عموم مردم ۶۶
 ۷. ابراز سلام و صلح نسبت به نادانان ۶۷
- ب. افراد و گروه‌هایی که نباید نسبت به آنان ابراز سلام و صلح نمود ۶۸
- ب-۱. کفار (با مفهوم خاص آن) ۷۰
 - ب-۲. ویژگی‌های کفار در مفهوم خاص آن ۷۳
 ۱. کفار به‌حدی از انکار و سختی قلب رسیده‌اند که دیگر تسلیم حق نمی‌شوند ۷۴
 ۲. برای کفار تنها زندگی مادی دنیا اهمیت دارد و زیبا جلوه می‌کند ۷۴
 ۳. کافران کسانی هستند که مؤمنین و اهل حق را مورد اتهام قرار داده و گمراه می‌شمارند و آنان را مسخره می‌کنند ۷۴
 ۴. کافران در راه طاغوت و طغیانگران، جنگ و پیکار می‌کنند ۷۵
 ۵. کافران کسانی هستند که ظالمند و ظلم روا می‌دارند ۷۵
 ۶. کافران کسانی هستند که راه خدا را سد می‌کنند و مانع هدایت انسان‌ها می‌شوند ۷۶
 ۷. کافران با تمام امکانات خود به‌ویژه اموال می‌کوشند که مانع راه خدا شوند ۷۷
 ۸. کافران افرادی بدکار و فاسق هستند ۷۷
 ۹. کافران کسانی هستند که دروغ می‌گویند ۷۸
 ۱۰. کافران کسانی هستند که به آیات خدا کافر می‌شوند و پیامبران (و پیروان آنان) را به ناحق می‌کشند ۷۹
 ۱۱. کافران کسانی هستند که حق و راه حق را سحر و جادو می‌شمارند ۸۰
 ۱۲. کافران کسانی هستند که تنها به بهره‌مندی مادی و زودگذر متاع زندگی دنیا توجه دارند ۸۱
 ۱۳. کافران کسانی هستند که مؤمنین را از زیارت مسجدالاحرام باز می‌دارند ۸۲
 ۱۴. کافران کسانی هستند که در قلب‌های آنان خشم و تعصب جاهلیت وجود دارد ۸۴
- ج. موارد دیگری که قرآن کریم و احادیث، اظهار دوستی و صلح نسبت به آنان را جایز نمی‌شمارند ۸۶
- گفتار هشتم: صلح اصل و جنگ استثنا ۹۱
- گفتار نهم: جنگ ۱۰۵
- مقدمه ۱۰۵
- موارد تجویز جنگ ۱۰۶

فهرست تفصیلی مطالب ♦ ۱۳

۱. مقابله با ظلم و دفاع از عقیده توحید..... ۱۰۶
۲. مقابله به مثل..... ۱۰۸
۳. در صورت نقض عهد و مسخره کردن دین مسلمانان..... ۱۱۰
۴. حمایت از مظلومان (مستضعفان و ضعیف نگاه داشته شدگان)..... ۱۱۱
۵. جنگ با اهل بغی..... ۱۱۳
- گفتار دهم: مقررات حاکم بر جنگ..... ۱۱۵**
۱. عدم شروع جنگ از سوی مسلمانان..... ۱۱۶
۲. انجام مذاکره (رسمی و غیررسمی) پیش از اقدام نظامی..... ۱۱۶
۳. رعایت دقیق معاهدات منعقدۀ با دشمن..... ۱۱۷
۴. رعایت دقیق عدالت و برخورد منصفانه با دشمن و رعایت حقوق انسانی آنان..... ۱۱۷
- گفتار یازدهم: قلمرو اجرای صلح..... ۱۲۱**
۱. صلح در درون انسان..... ۱۲۱
۲. صلح در خانواده..... ۱۲۴
- الف. خانواده به معنای خاص..... ۱۲۴
- ب. خویشان و بستگان (خانواده به معنای عام)..... ۱۲۶
۳. صلح در اجتماع..... ۱۲۸
- الف. با دیگران از در صلح در آمدن..... ۱۲۸
- ب. واسطه صلح بین دیگران شدن (اصلاح و برقراری صلح و دوستی بین مردم)..... ۱۲۹
۱. آیات قرآن..... ۱۳۰
۲. احادیث..... ۱۳۰
- ج. مراتب اظهار سلام..... ۱۳۱
- د. وجود اختلاف در اجتماع..... ۱۳۴
- ۴. صلح در روابط بین الملل..... ۱۳۵**
۱. دارالاسلام..... ۱۳۸
۲. دارالحرب..... ۱۳۸
۳. دارالذمه..... ۱۳۹
۴. دارالعهد..... ۱۴۰
۵. دارالامان..... ۱۴۲
۶. دارالهدنه..... ۱۴۳
۱. مهادنه با پیشنهاد دارالکفر (مشرکان و کفار)..... ۱۴۴
۲. مهادنه با پیشنهاد دارالاسلام..... ۱۴۴
۷. دارالحیاد (اعتزال یا بی طرفی)..... ۱۴۵
- الف. به مفهوم کناره گیری از مناقشات بی ثمر عقیدتی..... ۱۴۵
- ب. به مفهوم کناره گیری از مناقشات سیاسی..... ۱۴۵
- ج. مفهوم بی طرفی در جنگ..... ۱۴۶

۱۴۷.....	۸. دارالموادعه.....
۱۴۸.....	۹. دارالصلح.....
۱۵۰.....	۱۰. دارالهجره.....
۱۵۱.....	۱۱. دارالاستضعاف.....
۱۵۲.....	۱۲. دارالبغی.....
۱۵۳.....	الف. گروه‌های «باغی» یا شبیه آن.....
۱۵۳.....	۱. منافقین (توطئه‌گران).....
۱۵۴.....	۲. مفسدین (اخلال‌گران).....
۱۵۴.....	۳. مبطلین (ستیزه‌گران گمراه).....
۱۵۴.....	۴. محاربین.....
۱۵۴.....	۵. مخالفین اصلاح طلب.....
۱۵۵.....	۶. بدعت‌گذاران فتنه‌گر.....
۱۵۶.....	۷. شورشیان سازمان‌یافته.....
۱۵۶.....	ب. ویژگی‌های اهل بغی (بغاة) و راه مقابله با آنان.....
۱۵۷.....	ج. تکمله بحث.....
۱۵۸.....	۱۳. دارالرده.....
۱۵۹.....	۵. صلح در گستره‌ای وسیع‌تر (دو مفهوم عام).....
۱۶۷.....	گفتار دوازدهم: صلح عادلانه.....
	گفتار سیزدهم: برقراری صلح واقعی در آخرالزمان (زمان حکومت حضرت
۱۷۱.....	مهدی(عج) (دوازدهمین و آخرین امام شیعیان).....
۱۷۹.....	گفتار چهاردهم: مفهوم صلح از منظر حقوق بین‌الملل و اسناد مربوط.....
۱۷۹.....	۱. مقدمه و کلیات.....
۱۸۶.....	۲. حق بر صلح به عنوان حقوق دولت‌ها.....
۱۸۸.....	۳. حق صلح به عنوان حق افراد.....
۱۸۹.....	۴. حق صلح به عنوان حق مردمان.....
۱۹۰.....	۵. ارتباط حق بر صلح با حقوق دیگر بشر.....
	۶. تحول مفهوم صلح در رابطه با امنیت بین‌المللی از حیث عدم ثبات در زمینه‌های اقتصادی،
۱۹۱.....	اجتماعی، به‌ویژه مسائل زیست‌محیطی.....
۱۹۴.....	۷. سردرگمی بشریت و جامعه بین‌المللی در رابطه با مفهوم صلح.....
۱۹۹.....	نتیجه‌گیری.....
۲۰۷.....	منابع.....

دیباچه حضرت آیت‌الله عباس کعبی^۱

یکی از اصول بنیهدی آموزه‌های اسلامی، اصل «صلح» و «سلم» در روابط فردی و اجتماعی و در قلمروهای گوناگون زندگی است. در روابط دولت اسلامی با دولت‌های غیراسلامی نیز، اصل «جهاد» نباید با اصل جنگ طلبی یکی دانسته شود بلکه جهاد هم برای ایمان و امنیت و صلح و سلم پایدار در روابط بین‌الملل بر پایه نفی نظام سلطه و استکبار و تحقق صلح عادلانه است. واژه اسلام در بردارنده معنای سلامت و احساس امنیت و آرامش است و اعلام سلام قبل از هر کلام جزء روشن‌ترین آداب دینی است و همه مسلمانان موظفند محیط و فضای درونی امت اسلامی را بر پایه سلم آراسته سازند «یا ایها الذین آمنوا ادخلوا فی السلم کافه و لا تتبعوا خطوات الشیطان انه لکم عدو مبین» (سوره بقره، آیه ۲۰۸).

البته این سلم در روابط گوناگون زندگی بر پایه عمل به قوانین و مقررات و احکام اسلامی محقق می‌شود و متخلف از فرامین الهی، سلم را از بین می‌برد و زمینه‌ساز پیروی از گام‌های شیطان که دشمن آشکار انسان است را فراهم می‌سازد.

سلم یعنی صلح پایدار بر پایه ایمان و اخلاق که در بردارنده سلامت و امنیت است. این سلم، واقعی و ریشه‌دار است اما صلح ظاهری، شکننده و در حد آتش‌بس و هدنه است. اسلام در پی تحقق صلح ریشه‌دار، واقعی و بنیادین بر پایه اصل توحید، حق، عدل، نفی حاکمیت استکباری و نفی «علو»، «فساد»، «ظلم» و «خیانت» در

روابط انسانی است. بنابراین نقض عهد یا هم‌پیمانی با حاکمیت طاغوتی و استکباری و فتنه‌گری ریشه سلم را متزلزل می‌کند. در مقابل اعتزال، متارکه‌قتال و رفتار از موضع صفا و صلح با مسلمانان، پایه‌های صلح را مستحکم می‌نماید. آیات ۹۰ و ۹۱ سوره نساء می‌فرماید: «مسلمانان موظفند قدرت خود را در راه تحقق حاکمیت الهی که مبشر صلح پایدار است بکار گیرند و در این راه سست نشوند و تسلیم دشمنان بشریت که صلح بین‌الملل را تهدید می‌کنند، نگردند». آیه ۳۵ سوره محمد بیان می‌دارد «مسلمانان همواره باید بر اقتدار خود بیفزایند و اگر دشمنان اسلام پیشنهاد متارکه‌جنگ را دادند، فرصت صلح را نباید از دست داد» و آیه ۶۱ سوره انفال می‌فرماید «و آن جنحوا لملم فاجنح لها و توکل علی الله انه هو السميع العليم».

دعوت به صلح در میان امت و وظیفه‌ای اسلامی است «حجرات ۹»: تا آنجا که می‌توان باید با گروه ظالم و صلح‌شکن به دلیل تحقق صلح و امنیت بین مسلمانان جنگید و با پایان جنگ بین گروه‌های مخاصم صلح عادلانه برقرار نمود. تأسی به راه انبیای الهی در تولی و تبری و عمل بر پایه نیکی و قسط و اخلاق چه بسا صلح و دوستی را برقرار سازد (آیات ۶، ۷ و ۸ سوره ممتحنه).

پیامبر اسلام در فتح مکه ندای «الیوم یوم المرحمه» را سر دادند و در صلح حدیبیه با نرمش قهرمانانه پذیرفتند که متن صلحنامه با جمله «هذا ما صلح علیه محمد و سهیل بن عمرو» شروع شود (سیره ابن هشام) و بر پایه التزام به صلح ابورافه مسلمان را به قریش بازگرداند و اصولاً یکی از فلسفه‌های جنگ، تهدید صلح در اثر پیمان‌شکنی است و ققاتلوا ائمه الکفر انهم لا ایمان لهم و لعلهم یتنهون (آیه ۲۰ سوره توبه).

کتاب پیش‌رو، تألیف دانشمند فرزانه و حقوق‌دان برجسته، رئیس محترم دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، آقای دکتر سید فضل‌الله موسوی (دامتة توفیقاته) با عنوان «اسلام، پیام آور صلح و دوستی» می‌باشد. ایشان در این کتاب ارزشمند و اثر فاخر به خوبی توانسته است نگاه اسلام را به روابط صلح‌آمیز بین ابنای بشر به‌ویژه امت اسلامی بر پایه آیات الهی و روایات نورانی پیامبر و اهل

دیباجه حضرت آیت‌الله عباس کعبی ♦ ۱۷

بیت علیهم السلام بیان کند. البته بخشی از آیات و روایات نگاه اخلاقی اسلام از وضع رحمت، رأفت و محبت و برادری در میان امت اسلامی و تلاش برای ریشه کن کردن اختلافات ناشی از منافع شخصی است و هرگز به معنای نفی اشداء علی الکفار و مقابله با حاکمیت کفر و طاغوت و ظالمان و مستکبران نیست و به اصالت جهاد، خدشه‌ای وارد نمی‌کند. کما اینکه اصل جهاد، نافی صلح‌طلبی اسلام نیست.

مطالعه این اثر اخلاقی، حقوقی، مستند به آیات و روایات برای همه اهل نظر به‌ویژه محققین و عموم دانشگاہیان و عامه مردم مفید است و در نشر فرهنگ‌مداری مذهبی و برجسته‌سازی چهره رحمانی اسلام مؤثر است.

از خداوند متعال توفیق روزافزون مولف محترم را در مراحل گوناگون زندگی به‌ویژه گسترش ایمان و معرفت و علم، مسألت می‌نمایم.

الاقول عباس کعبی

پیشگفتار مؤلف

با توجه به گذرش روزبه‌روز اسلام در سراسر جهان و نیاز روزافزون ملت‌ها و انسان‌ها به آشنایی با مفاهیم و مقررات اسلامی به ویژه در سطوح علمی و دانشگاهی و از سوی دیگر تبلیغات سوء علیه اسلام در خصوص اینکه دین مربوط به گذشته‌هاست و نیاز جامعه فعلی نیست و معرفی اسلام به عنوان دین خشونت‌آمیز، لازم است که تحقیقات عمیق در خصوص موضوع‌های مختلف از دیدگاه اسلامی، با توجه به مقررات ملی و بین‌المللی صورت گیرد. اسلام به عنوان یک دین، راه زندگی بشر را ترسیم کرده و رعایت مقرراتش تأمین‌کننده زندگی سعادت‌مند دنیوی و اخروی اوست. اسلام یک برنامه همه‌جانبه کامل و جامع است که برای زندگی انسان‌ها در همه زمان‌هاست که از جانب خداوند متعال و حکیم که خالق هستی و انسان‌هاست ارائه شده است. طبیعی است که خالق حکیم جهان هستی و انسان که به کلیه وجوه نظام هستی و از جمله وجود پیچیده انسان‌ها آگاه است و اشراف دارد، بهترین برنامه را که منجر به سعادت دنیوی و اخروی اوست و متشکل از همه حقوق و تکالیف انسان‌ها و سنت‌های حاکم بر جهان هستی و روابط اجتماعی است، در نظر گرفته و ارائه کرده است. این برنامه‌ها در سطوح گسترده اخلاقی، حقوقی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فردی، خانوادگی، ملی و بین‌المللی، دنیوی و اخروی تنظیم شده است که در هر زمان با حفظ برخی از اصول، مقررات و سنت‌های کلی، با استفاده از منابع اسلامی که شامل قرآن، سیره و روش پیامبر اکرم (ص) و ائمه

اظهار(ع) (سنت)، اجماع و عقل و با به کارگیری روش اجتهاد، پاسخ گوی همه مسائل ایجاد شده در هر زمانی می باشد. یکی از موضوع های مهم در ارتباط با زندگی انسان ها، موضوع صلح است که از زمان های قدیم و همچنین امروز و نیز در آینده وجود داشته و خواهد داشت. موضوع و نهادی که با زندگی او عجین و ارتباط عمیقی دارد. چیزی که فطرتاً خواسته عموم انسان هاست. صلح و امنیت نیاز زندگی بشر و جزء حقوق آنهاست.

طبیعی است که هر مکتبی با توجه به نگرش و مبانی فکری که دارد به نوعی به آن می نگرد و آن را تفسیر می کند و بعدی یا ابعادی از آن را در نظر می گیرد. اسلام نیز بر این اساس در خصوص هر موضوعی و از جمله صلح نگرش خاص خود را دارد و آن را تبیین و تفسیر می کند و مفاهیمی خاص از آن ارائه می دهد. تحقیق حاضر در صدد است که با دانش اندک نگارنده در حد خود برداشت هایی را از این موضوع از دیدگاه اسلام ارائه دهد بدیهی است که قطعاً کار مورد نظر دارای نواقص و کمبودهایی است که با راهنمایی ها و تذکرات استادان فن، نقد و تکمیل شود و به جامعه انسان ها ارائه گردد.

با توجه به اینکه این حقیر تأکید زیاد دارم، مطالبی که بیان می دارم خدایی ناکرده مخالف و مغایر با احکام و مقررات شرع نباشد، لذا از استاد ارجمند حضرت آیت الله حاج شیخ عباس کعبی، عضو پیشین حقوقدان شورای نگهبان و عضو محترم فعلی مجلس خبرگان رهبری که از دوستان عالم و بزرگوار اینجانب و از فقیهان برجسته و آگاه به زمان هستند، تقاضا نمودم زحمت مطالعه و بررسی این نوشتار را بر عهده گرفته و در این خصوص اظهار نظر نمایند و ایشان بزرگواری نمودند و پس از مطالعه، نظرات و پیشنهادهایی ارائه فرمودند که اینجانب در شکل و ساختار و برخی عناوین اعمال نمایم. نظر به اینکه انجام چنین کاری نیاز به تغییرات ساختاری گسترده می شد که زمان زیادی را به خود اختصاص می داد، لذا با مشورت با معظم له بنابر این شد که ایشان نظرات خود را به عنوان مقدمه ای در ابتدای کتاب بیان دارند. به هر حال از زحمات و بزرگواری و سعه صدر ایشان از صمیم قلب تشکر می کنم که

اینجانب را در این امر یاری فرمودند. از خداوند متعال برای ایشان عمر با عزت و برکت و عاقبتی نیکو آرزو مندم.

همچنین بر خود لازم می‌دانم از حضرت آیت‌الله سید محمد قائم‌مقامی نیز که با صرف وقت خویش، مطالب کتاب را به دقت مطالعه نمودند و آن را موافق موازین، اصول و مبانی شرع مقدس اسلام دانستند، سپاسگزاری نمایم.

این تحقیق با انگیزه تبیین یکی از موضوع‌های اخلاقی و حقوقی در اسلام صورت گرفت که نیاز به کنکاشی گسترده داشت و با لطف و مدد الهی و توجهات ائمه اطهار علیهم‌السلام انجام یافت. در طول تحقیق، همیشه با وضو و تمسک به خداوند و ائمه اطهار به نگارش آن پرداختم. قابل توجه است که بدون برنامه و طراحی قبلی گفتارهای این تحقیق شامل ۱۴ گفتار شد که به تعداد چهارده معصوم علیهم‌السلام است. کما اینکه تحقیقی دیگر از اینجانب که به عنوان «حقوق، تکالیف و امور نظامیان از دیدگاه امام علی (ع)» با تأکید بر فرمان ایشان به مالک اشتر» بود و پیش از این، در مجموعه مقالاتی به چاپ رسید با همین انگیزه و مدد الهی و توجهات امام علی (ع) بدون برنامه‌ریزی قبلی شامل دوازده قسمت شد که به تعداد دوازده امام شیعیان علیهم‌السلام بود. خداوند متعال را شکر می‌گویم که با نعمت‌های بیکران خود توفیق انجام چنین کاری را نصیب بنده حقیر خود نمود و ان‌شاءالله اینجانب را به سبب کوتاهی‌هایی که در این تحقیق صورت گرفته عفو و توفیق تکمیل آن را به اینجانب و یا سایرین عنایت فرماید.

در پایان لازم است که از انتشارات خرسندی و ریاست محترم آن که این کتاب را برگزیده و چاپ و توزیع آن را برعهده گرفتند و نیز سرکار خانم حامدی یکتا که اصلاحات تایپی و صفحه‌آرایی آن را مکرراً انجام دادند تشکر و قدردانی کنم.

مقدمه

موضوع صلح و جنگ دو مقوله‌ای است که از ابتدای تاریخ در کنار هم بوده‌اند. همچنان که صلح جنبه فردی و جمعی دارد، جنگ و نزاع نیز چنین بوده و از گستره فردی تا جمعی از افراد تا بین کشورها و در سطح بین‌الملل انجام پذیر بوده است. بین هابیل و قابیل، دو برادر، در ابتدای تاریخ صلح برقرار بود و سپس نزاع از سوی قابیل صورت گرفت و او برادر خویش هابیل را کشت. این صلح و جنگ همواره در طول تاریخ ادامه دارد. ماهیت انسان‌ها به گونه‌ای است که اگر تحت تربیت الهی و پیامبران توحیدی قرار نگیرند، هر چند که فطرت انسان‌ها در ابتدا پاک و در جهت خوبی‌ها، عدالت، صلح و تمام مظاهر زیبایی می‌باشد، به انحراف کشیده شده و مسیر خود، انسان‌ها و تاریخ را می‌تواند به بیراهه، ظلم، خودسری، جنگ و خونریزی بکشاند. خداوند می‌فرماید: «ان الانسان لیطغی ان راه استغنی»، یعنی انسان هنگامی که احساس بی‌نیازی کرد طغیانگر می‌شود.

انسان اگر تحت تربیت درست قرار نگیرد و بنده خدا نباشد و پیرو پیامبران خدا نگردد که او را راهنمایی کنند و مسیر درست، هدایت، کمال، عدالت و صلح را برای او به ارمغان آورند، انسانی می‌شود خودمحور و خودخواه، و بر این اساس هر چه دلش بگوید، عمل می‌کند و در حق خود ظلم و ستم روا می‌دارد و سبب، تضییع حقوق انسان‌ها، استعمار و استعمار، جنگ و خونریزی و مسایلی از این قبیل می‌شود. هر چند که عموم انسان‌ها حتی بر اساس فطرت حق‌گرا، پیرو صلح، مخالف

ظلم و تبعیض هستند، اما به واسطه سرکشی و طغیان برخی از انسان‌ها، محیط‌های صلح انسانی، از خانواده گرفته تا اجتماع و کشورها و در سطح بین‌المللی تبدیل به محیطی ناامن و غیرصلح‌آمیز می‌شوند. نزاع، اختلاف، جنگ و خشونت به بار می‌آید و صلح‌ها و امنیت‌ها از بین می‌روند و جنگ‌ها و ناامنی‌ها جای آن را می‌گیرد و این صلح حتی به معنی نبود جنگ نیست، بلکه کلیه عواملی نظیر فقر، جهل، تبعیض، وجود شرارت‌ها، بی‌عدالتی، ظلم و غیره همگی از محیط ناامن و غیرصلح‌آمیز را در بر می‌گیرد.

قابیل از ابتدای تاریخ چنین روشی را با خودخواهی، دنیاطلبی، حسادت و غیره آغاز کرد. در طول تاریخ و تا قیامت و تا انسان‌ها با چنین ویژگی‌هایی هستند همچنان صلح و جنگ در کنار هم قرار دارند. اما آنچه خداوند و پیامبران الهی می‌خواسته‌اند، برقراری صلح و امنیت در سطح جامعه انسانی بوده است. پیامبران الهی و پیروان راستین آنان، همه انسان‌ها، به‌ویژه حاکمان و قدرتمندان زمان خود را به عبادت و بندگی خدا و همراهی با مردم و رعایت حقوق آنان و عدم خودمحوری و سرکشی و ظلم، و برقراری عدالت و صلح فرامی‌خوانده‌اند. اما متأسفانه آن حکام و زورگویان خودخواه که در جهت حفظ منافع فردی و گروهی خود عمل می‌کرده‌اند که آن درست در جهت خلاف دعوت انبیاء و انسان‌های صالح پیرو آنان بوده است، به تلاش در راستای خاموش کردن صدای آنان از طریق زندان و شکنجه و آزار و سرانجام جنگ با آنان می‌پرداختند و آنان نیز طبیعتاً در جهت دفاع از خود و آرمان‌های مقدس خویش مجبور می‌شده‌اند که با دشمنان خدا و انسانیت بجنگند. اما به غیر از این جنگ حق با باطلی که معمولاً در طول تاریخ جریان داشته و دارد، گاهی هم جنگ و نزاع‌ها بین همان نیروهای باطل یعنی آنانی که برای منافع مادی و شهوانی شخصی و گروهی خویش تلاش می‌کرده‌اند، در می‌گرفته است و در این میان انسان‌هایی که همدیگر را نمی‌شناخته و در جریان اهداف واقعی رهبران خود نبوده‌اند یا بوده‌اند و آنان نیز در جهت منفعت شخصی خود به پیروی از رهبران خود می‌پرداخته‌اند، کشته می‌شده‌اند و آسیب می‌دیده‌اند. به‌رحال گاهی هم در بین

گیرودارهای این جنگ‌ها و ناآرامی‌ها مدتی هم حالت آرامش و یا صلحی وجود داشته و انسان‌ها یا برخی از آنان، تا حدودی از آن آرامش بهره‌مند شده‌اند. اما آیا واقعاً چنین آرامش‌های موقتی و ظاهری، صلح به مفهوم واقعی و همه‌جانبه و در تمام سطوح بوده است یا نه، قطعاً پاسخ منفی است. انسان‌ها عموماً به جهت فطرت خویش در جهت برقراری چنین صلحی بوده‌اند که معمولاً در طول تاریخ به طور کامل تحقق نمی‌یافته است. در این میان مکاتب مختلف اعم از الهی و غیرالهی با توجه به جوانب مختلف، دیدگاه‌هایی را راجع به جنگ و صلح داشته‌اند. در این تحقیق سعی و تلاش گردیده است تا برداشت‌هایی از دیدگاه اسلام با توجه به آیات و روایات و منابع اسلامی نسبت به موضوع صلح و تاحدودی جنگ ارائه گردد. اما از سوی دیگر با توجه به مفهوم صلح، در اسناد و مقررات بین‌المللی که امروزه عملاً و نظراً به آنها استناد داده می‌شود، موضوع موردنظر از منظر حقوق بین‌الملل نیز قسمت اندکی از این تحقیق را به خود اختصاص داده که در گفتار آخر به آن اشاره شده است. مجموعه این تحقیق شامل چهارده گفتار می‌شود؛ در گفتار اول، صلح در لغت، فقه و حقوق داخلی ایران مورد بررسی مختصر قرار می‌گیرد. سپس مفهوم صلح در اسلام در گفتار دوم بیان می‌گردد. در گفتارهای سوم تا ششم ضمن اینکه در خصوص برقراری صلح به عنوان یکی از اهداف مهم اسلام و ادیان الهی مطالبی بیان می‌گردد به اهمیت و ارزش صلح و سپس به آثار و فواید ناشی از آن، اشاره می‌گردد و آغازگری در صلح را به عنوان یک ارزش برتر قلمداد می‌کند. سپس در گفتارهای هفتم تا دهم به این مسئله اشاره می‌گردد که آیا ابراز صلح نسبت به همه صورت می‌گیرد یا نه؟ و آیا اقشار و گروهایی که در گفتار و عمل ضد صلح می‌باشند را شامل می‌گردد؟ که در این رابطه پاسخ منفی ارائه می‌شود که عکس‌العمل نسبت به اینها به گونه‌ای دیگر بیان می‌گردد. در این راستا به این مسئله اشاره می‌گردد که در گفتمان اسلامی، صلح و برقراری آن اصل است و جنگ حالت استثنا دارد و در این رابطه مختصراً به مقررات و شیوه‌های حاکم بر جنگ که مبتنی بر احکام الهی و رعایت حقوق انسان‌هاست اشاره می‌گردد. در گفتار یازدهم

با توجه به دیدگاه گسترده‌ای که در اسلام وجود دارد، صلح را در قلمروهای مختلف که شامل صلح در درون انسان‌ها، صلح در خانواده و بستگان، صلح در اجتماع، صلح در سطح بین‌المللی و سرانجام مفهوم صلح در سطحی گسترده یک‌به‌یکه به غیر از نبود جنگ است و مسائلی از قبیل نبود فقر، جهل و بی‌سوادی، ناامنی، تبعیض و غیره را نیز شامل می‌گردد. سپس در گفتار دوازدهم به واژه‌ای خاص تحت عنوان «صلح عادلانه» اشاره می‌گردد. بدین معنی که هر سکوت و آرامش ظاهری را نمی‌توان صلح نامید بلکه صلح باید عادلانه بوده و به معنای واقعی حقوق انسان‌ها و آرامش همه‌جانبه آنان را تأمین کند. گفتار سیزدهم برقراری چنین صلح واقعی را به طور کامل در آخر الزمان و پایان تاریخ در زمان حکومت حضرت مهدی (عج) که دوازدهمین و آخرین امام شیعیان است مطرح کرده و به زوایایی از آن جامعه اشاره می‌کند و در نهایت و گفتار چهاردهم مفهوم صلح از منظر حقوق بین‌الملل و اسناد مربوط مورد بررسی قرار می‌گیرد.